



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

ضرورت بعثت از دیدگاه متکلمین اسلامی

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد برهانی

دانش پژوه:

محمد یونس افضلی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۵۴

تاریخ ثبت:

الله أكبر



تقدیم به:

او که وجودش مایه رحمت و برکت برای عالمین بود و مکتبش نجات بخش بشر برای همیشه تاریخ است.

او که برای نجات بشر از چنگال جهل و خرافات زحمتها کشید و به منظور راهنمای و هدایت آن رنجها را به جان خرید و هیچگاهی در این راه احساس خستگی نکرده و از پایداری نشست.

او که حق بزرگی بر گردن تمام انسانها و خصوصا مسلمانان دارد.

او که به منزله پدر امت بود.

او که هیچ اجر و مزدی از امت در قبال زحمتهایش نطلبید.

او که خیرالانام و آخرین سفیر الهی بسوی بشر بود ،

حضرت محمد ابن عبدالله (ص).

و نیز تقدیم به پیشگاه همه آنانی که ادامه دهنده راه و احیا کننده مکتب او در طول تاریخ بوده و هستند.

و خصوصا تقدیم به ساحت مقدس منجی عالم بشریت و احیا کننده اسلام ناب

محمدی (ص)، حضرت ولی عصر مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

تقدیر و تشکر:

سپاس و ستایش مخصوص ذات حق تعالی است. او که صاحب و مالک جهان هستی، خالق و مدبر نظام عالم می باشد. و او که فیض پیوسته شامل حال بندگانش می باشد، و اگر لحظه و آنی فیض او از آنها گرفته شود، آنها قادر به انجام کوچکترین عملی یعنی حتی دم و بازدم نخواهند بود.

شکر او را همیشه به خاطر تمام نعماتش که به من ارزانی داشته است و بخصوص به خاطر توفیقی که برای تکمیل و تدوین این تحقیق نصیب کرد، بجای می آورم. از کلیه سروران و عزیزان که بهر نحوی در بثمر رسانیدن این تحقیق ناچیز نقش داشتند، خصوصا از کلیه مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی و خصوصا از مسئولین محترم امور پایان نامه ها و سایر عزیزان که در گروه های مختلف این بخش مشغول خدمت گذاری هستند، تقدیر و تشکر بعمل می آید.

تشکر و قدردانی ویژه دارم از محضر استاد محترم راهنما جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر عبدالحسین خسرو پناه (دامت توفیقاته) به خاطر راهنماییهای بسیار مفید و ارزنده ی که در طول این تحقیق داشتند.

همچنین از استاد مشاور محترم جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای محمد جواد برهانی به خاطر مشورت های مفید و زحمتهای مخلصانه و دلسوزانه اش در مدت زمان تحقیقات نوشتار حاضر تشکر و قدردانی ویژه بعمل می آید.

تشکر مخصوصی دارم از ریاست محترم موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (زه) جناب استاد آیت الله مصباح یزدی دامت توفیقاته، به خاطر استفاده های که از کتابخانه غنی این موسسه برده ام. زیرا تمام تحقیقات این اثر در کتابخانه این موسسه که یکی از آثار و برکات وجودی این بزرگوار می باشد، انجام شده است.

چکیده:

این تحقیق تحت عنوان "ضرورت بعثت از دیدگاه متکلمین اسلامی" و شامل پنج فصل می باشد. همانطوریکه از عنوان این تحقیق پیداست، در این تحقیق تنها "ضرورت بعثت" از دیدگاه متکلمین اسلامی بررسی گردیده است.

فصل اول این تحقیق را مفهوم شناسی واژه های کلیدی پایان نامه حاضر، و مسایل مقدماتی آن، از قبیل: بیان مساله، پیشینه، ضرورت و روش تحقیق در بر گرفته است. راجع به مفاهیم واژه های کلیدی در این فصل ابتدا توضیح مختصر در مورد مفاهیم واژه ها و سپس مفهوم مورد نظر آن از نظر نگارنده ارایه شده است.

در فصل دوم، به بیان رویکردهای مختلف بعثت شناسی پرداخته شده است، و اجمالا شش رویکرد اصلی، نسبت به مساله بعثت ذکر شده است.

در فصل سوم به مبانی اصلی ادله ضرورت بعثت پرداخته شده است. و راجع به چهار قاعده اصلی که متکلمین اسلامی از آن برای اثبات دیدگاه های خود در مساله ضرورت بعثت استفاده کرده اند، توضیحات ارائه شده است. آن قواعد عبارتند از: قاعده حسن و قبح عقلی، قاعده لطف، قاعده تکلیف و قاعده مدنی بالطبع بودن انسانها.

در فصل چهارم به راههای اثبات ضرورت بعثت از دیدگاه متکلمین اسلامی پرداخته شده است. و به رهیافتهای متکلمین اسلامی در اثبات دیدگاههای شان در اثبات ضرورت بعثت پرداخته شده است.

در فصل پنجم که فصل اخیر این تحقیق می باشد بعنوان تکمله ی بحث، به سه مساله مهم که ضرورت بعثت را ممکن است باچالش مواجه کند، پرداخته شده است. و آن سه مساله عبارتند از: ضرورت بعثت و مساله خاتمیت، ضرورت بعثت و کارکردهای علم، و ضرورت بعثت و کارکردهای عقل.

بالاخره در این تحقیق اثبات شده است، که تمام متکلمین اسلامی بر حسن و امکان و همچنین ضرورت بعثت بمعنای لزوم و نیازمندی بشر به آن، اتفاق نظر

دارند. لکن در مورد وجوب آن ، متکلمین اسلامی بردو دسته اند. دسته ای که آن را واجب می دانند. و دسته ای که وجوب آن را بر خداوند متعال نفی می کند. گروه عدلیه از دسته ای اول اما گروه اشاعره از دسته دوم هستند.

همچنین در این تحقیق اثبات شده است که بعثت و خاتمیت هرکدام فلسفه خاص و جداگانه خود را دارند. و لذا هرگز مساله خاتمیت به ضرورت بعثت لطمه نمی زند.

همچنین در این تحقیق اثبات شده است که علم و عقل نیز نمی توانند بشر را از وحی بی نیاز سازد. بنابراین ضرورت بعثت از دیدگاه متکلمین اسلامی اثبات شده است.

صفحه	عنوان مطلب
------	------------

فصل اول : کلیات

۲	۱- مفهوم شناسی
۳	واژه ضرورت
۳	معانی لغوی ضرورت
۴	معانی اصطلاحی ضرورت
۴	ضرورت در اصطلاح منطق
۵	ضرورت در اصطلاح فلسفه
۵	اقسام ضرورت
۷	ضرورت در اصطلاح فقه
۷	ضرورت در اصطلاح ادیبان
۸	واژه بعثت
۸	معانی لغوی بعثت
۹	معانی اصطلاحی بعثت
۹	واژه نبوت
۱۱	واژه رسالت
۱۱	معانی لغوی و اصطلاحی رسالت
۱۱	فرقهای رسول و نبی
۱۶	واژه وحی
۱۶	معانی لغوی وحی

- ۱۷- معانی اصطلاحی وحی -----
- ۱۸- معانی وحی در قرآن -----
- ۲۰- واژه متکلمین -----
- ۲۲- ۲- تبیین مساله -----
- ۲۳- ۳- پیشینه تحقیق -----
- ۲۵- ۴- ضرورت تحقیق -----
- ۲۵- ۵- روش تحقیق -----

فصل دوم: رویکردهای مختلف بعثت شناسی

- ۲۸- مقدمه -----
- ۲۹- رویکردهای موجود -----
- ۳۵- دیدگاههای متکلمین اسلامی در باب بعثت -----
- ۳۶- دیدگاه قایلان به حسن بعثت -----
- ۳۸- دیدگاه قایلان به ضرورت بعثت -----
- ۴۱- دیدگاه منکرین ضرورت بعثت -----
- ۴۲- گروههای منکرین بعثت -----

فصل سوم: مبانی ادله ضرورت بعثت

- ۵۰- مقدمه -----
- ۵۱- قاعده حسن وقیح عقلی -----
- ۵۳- دیدگاه متکلمین اسلامی در مساله حسن وقیح عقلی -----
- ۵۴- معانی حسن و قبح عقلی -----
- ۵۵- نظریات حسن وقیح عقلی -----
- ۵۸- استدلال اشاعره بر رد حسن وقیح عقلی -----
- ۵۸- جواب از استدلال اشاعره -----

- ۶۰ ----- قاعده لطف
- ۶۰ ----- تعریف لطف
- ۶۲ ----- اقسام لطف
- ۶۳ ----- فاعل لطف
- ۶۴ ----- دیدگاههای متکلمین اسلامی در مورد لطف
- ۶۴ ----- ادله قایلین به وجوب لطف
- ۶۵ ----- ادله منکرین وجوب لطف
- ۶۷ ----- چند اعتراض و جواب آن
- ۶۸ ----- معنای اطلاق وجوب بر خداوند
- ۷۰ ----- قاعده تکلیف
- ۷۰ ----- تعریف تکلیف
- ۷۱ ----- حسن تکلیف
- ۷۲ ----- وجوب تکلیف
- ۷۳ ----- ادله قایلین به وجوب تکلیف
- ۷۴ ----- شرایط حسن و وجوب تکلیف
- ۷۸ ----- قاعده مدنی بالطبع بودن انسانها
- ۷۸ ----- منشا مدنی بالطبع بودن انسانها
- ۷۹ ----- دیدگاه علامه طباطبای
- ۸۰ ----- دیدگاه شهید مطهری

فصل چهارم: راههای اثبات ضرورت بعثت

- ۸۳ ----- دیدگاه متکلمین معتزله
- ۸۳ ----- رهیافتهای متکلمین معتزله
- ۸۳ ----- ۱. حسن بعثت
- ۸۴ ----- ۲. قاعده تکلیف

۳. قاعده لطف ----- ۸۴
- دیدگاه متکلمین اشاعره ----- ۸۵
- رهیافتهای متکلمین اشاعره ----- ۸۶
۱. رهیافت کارکردگرایانه ----- ۸۶
۲. رهیافت عدالت گرایانه ----- ۹۰
۳. رهیافت انسان شناسانه ----- ۹۱
۴. قاعده لطف ----- ۹۲
- دیدگاه متکلمین امامیه ----- ۹۳
- رهیافتهای متکلمین امامیه ----- ۹۳
۱. حسن بعثت ----- ۹۳
۲. قاعده تکلیف ----- ۹۴
۳. قاعده لطف ----- ۹۵
۴. رهیافت عدالت گرایانه ----- ۹۷
۵. رهیافت انسان شناسانه ----- ۱۰۵
۶. رهیافت جامع نگرانه ----- ۱۰۷
- پیامبران الهی به مثابه قانون گذاران و یا تنها پیامرسانان ----- ۱۱۲

فصل پنجم: ضرورت بعثت و مسایل مرتبط

- مقدمه ----- ۱۱۴
- ضرورت بعثت و خاتمیت ----- ۱۱۶
- ختم نبوت ----- ۱۱۸
- رازختم نبوت ----- ۱۲۱
- چند پرسش و پاسخ پیرامون خاتمیت ----- ۱۲۳

- ۱۲۷ ----- جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۲۸ ----- ضرورت بعثت و کارکردهای عقل
- ۱۲۹ ----- کارکردهای عقل
- ۱۳۱ ----- شکوفای عقل در پرتو وحی
- ۱۳۱ ----- دلایل ناتوانی عقل
- ۱۳۵ ----- رابطه عقل و وحی
- ۱۳۸ ----- میکانیسم عملکرد عقل
- ۱۳۹ ----- جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۴۱ ----- ضرورت بعثت و کارکردهای علم
- ۱۴۱ ----- تذکر چند نکته
- ۱۴۵ ----- دلایل ناتوانی علم
- ۱۴۷ ----- جمع بندی و نتیجه گیری
- ۱۴۹ ----- فهرست منابع و مآخذ

فصل اول:

کلیات

مفهوم شناسی:

یکی از کارهای مهم یک محقق، در فرآیند تحقیقاتش تبیین و توضیح واژه های کلیدی در موضوع مورد تحقیق شان می باشد. زیرا بسیاری از واژه ها در هر زبانی دارای کاربردهای مختلف و مشترک با دیگر واژه ها می باشند. و حتی ممکن است که یک واژه به مقتضای توسعه و پیشرفت در یک علم، از نو اختراع شده و به صورت کاملا جدید وارد عرصه یک دانش شده باشد. بنابراین توضیح واژه های کلیدی در هر تحقیقی ضرورت دارد. و این امر احتمال سوء برداشت و کژ فهمی را از بین برده و به تفهیم مقصود نگارنده به مخاطبانش نیز کمک شایان می نماید.

توضیح واژه های کلیدی در هر موضوعی هم برای شخص محقق، و هم برای مخاطبین از اهمیت زیادی برخوردار است؛ برای شخص محقق مفهوم شناسی بدین لحاظ اهمیت دارد، که او با انجام این کار، ضمن آشنا شدن با کاربردهای گوناگون و بعضا متفاوت واژه های به کار برده شده و آگاهی از موارد استعمال حقیقی و مجازی و شایع آن، قادر خواهند شد، تا هر واژه را با بارمعنای مخصوص آن استعمال نماید. همچنین او با این کار می تواند به صورت بهتری مقصود خود را به مخاطبین اش منتقل سازد.

علاوه بر این مفهوم شناسی واژه های کلیدی بحث به محقق کمک می کند، تا از ابتدای بحث، دامنه موضوع مورد بحثش را مشخص کرده و در طول بحث کمتر به بحثهای حاشیه ای و غیر ضروری پردازد. بنابراین مفهوم شناسی واژه های کلیدی در ابتدای هر تحقیقی مناسب و حتی در برخی موارد ضروری می باشد.

بنده نیز با توضیح واژه های کلیدی این تحقیق، در ابتدای بحث هایم دامنه بحث خود را مشخص ساخته و مقصود خود را از واژه های کلیدی که در عنوان موضوع مورد بحث ام وجود دارد، روشن می سازم.

کلمات و واژه های که در طول مباحث بنده در این تحقیق ، زیاد بکارخواهند رفت و کلیدی تلقی گردیده و نیازمند توضیح می باشند، کلمات و واژه های اند که برخی از آنها در عنوان این تحقیق وجود دارند و برخی از آنها مرتبط با موضوع بحث هستند. واژه های که در این نوشتار نیارمند توضیح و مفهوم شناسی هستند عبارت اند از واژه های چون: ضرورت، بعثت، نبوت، رسالت، وحی، و متکلمین. بنده ابتدا به توضیح و تشریح معانی لغوی و اصطلاحی هریک از این واژه ها، قبل از ورود به مباحث اصلی ام، می پردازم.

ضرورت: یکی از واژه های که توضیح معانی و مفهوم آن قبل از پرداختن به مباحث اصلی ضروری است، واژه " ضرورت " می باشد. این واژه به جهت اینکه دارای معانی مختلف لغوی و اصطلاحی و نیز دارای معنا و مفهوم خاص در هر علمی می باشد، از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. و به همین دلیل بنده نخست، معانی این واژه را در دو حوزه لغوی و اصطلاحی بررسی کرده و سپس مقصود خود را با استفاده از معانی مختلف آن، در این مبحث ذکر میکنم.

معانی لغوی ضرورت: در فرهنگ لغات برای واژه "ضرورت" معانی زیادی ذکر شده است، که برخی از آنها عبارتند از: حاجت و بیچارگی^۱، درماندگی، ناگزیری و ناچاری^۲، لابد و لاجرم، ناگزیر^۳، بایستگی^۴، المشقه^۵، الزام و اضطرار^۶، بداهت و غیر محتاج به فکر و نظر^۷، و... و بسیاری از این معانی از لحاظ مفهومی نزدیک بهم

-
- ۱- غیاث الدین رامپوری؛ غیاث اللغات، ۱۳۶۳، ص ۵۴۹. علی اکبر دهخدا؛ لغتنامه دهخدا، ج ۳۲ ص ۴۳. ابراهیم مصطفی و همکاران؛ المعجم الوسیط، ج ۱ ص ۵۴۰. غلامرضا انصاف پور؛ فرهنگ کامل فارسی، ص ۶۷۷.
 - ۲- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۴۳. غلامرضا انصاف پور؛ پیشین، ص ۶۷۸.
 - ۳- علی اکبر دهخدا، پیشین، ص ۴۳. ابراهیم مصطفی و همکاران؛ پیشین، ص ۵۴۰.
 - ۴- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۴۳.
 - ۵- ابراهیم مصطفی و همکاران؛ پیشین، ص ۵۴۰.
 - ۶- سید مصطفی حسینی دشتی؛ فرهنگ معارف و معاریف، ۱۳۷۶، ص ۱۷.
 - ۷- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۴۳.

و حتی تقریبا عبارت اخرای یگدیگر به شمار می روند. اما بهر طوری که هست ، واژه ضرورت از نظر لغوی دارای معانی مختلف می باشد ، و بالتبع مسلم است که کاربردهای مختلف نیز دارد. زیرا بعنوان مثال "ضرورت" بمعنای "الزام" را نمی توان با "ضرورت" بمعنای "مشقه" و یا ضرورت بمعنای "بدهت" یکسان بکار برد. بنا بر این اگر حتی این معانی عبارت اخرای یگدیگر نیز بحساب آیند، باز هم کاربردهای آنها متفاوت می باشد.

معانی اصطلاحی ضرورت: واژه ضرورت در اصطلاح نیز دارای معانی و کاربردهای گوناگون است. معنا و کاربرد آن در علوم مختلف متفاوت از یگدیگر می باشد مثلا: معنا و کاربرد واژه "ضرورت" در اصطلاح منطقیون غیر از معنا و کاربرد "ضرورت" در اصطلاح متکلمین می باشد ، و همین طور "ضرورت" در اصطلاح فلاسفه ، معنی و کاربرد متفاوت با ضرورت در اصطلاح فقهاء دارد. بنا براین واژه "ضرورت" در علوم مختلف معانی و کاربرد های مختلف دارد، و بنده به جهت اهمیت آن به طور اختصار به آنها نیز در زیر اشاره می کنم.

ضرورت در اصطلاح منطقیون: واژه "ضرورت" در اصطلاح منطق به معنای "امتناع انفکاک چیزی است از چیز دیگر. همانند امتناع انفکاک حیوانیت از انسان" ، یعنی در اصطلاح منطق وقتیکه گفته میشود: حیوانیت برای انسان ضرورت دارد ، بدین معنی است که ، به حکم عقل انفکاک حیوانیت از انسان محال است. بنابراین در قضیه "الانسان حیوان بالضرورة ، ثبوت حیوانیت برای انسان واقعا واجب است ، پس ماده قضیه و عنصر آن وجوب است"^۱. بنا بر این "ضرورت" در اصطلاح منطق به معنای وجوب فلسفی ، یعنی حتمیت و وجوب وجود محمول برای موضوع می باشد. و ضرورت وجود محمول برای موضوع و یا قضایای ضروریه، اقسامی دارد که از آن در فلسفه، بنام اقسام نسبت های ضروری بین موضوع و محمول یاد می گردد، و چون

۱- سید مصطفی حسینی دشتی، پیشین، ص ۱۷. دکتر سید جعفر سجادی، فرهنگ علوم عقلی، ۱۳۶۱، ص ۳۳۰.

۲- شیخ محمد مظفری؛ اصطلاحات منطقی، ۱۴۱۵هـ.ق، ص ۱۱۰.

این اقسام در علم منطق و فلسفه مشترک می باشد ، لذا پس از بیان ضرورت در اصطلاح فلاسفه، به اقسام قضایای ضروریه نیز باختصار پرداخته خواهد شد.

ضرورت در اصطلاح فلاسفه: واژه ضرورت در اصطلاح فلاسفه به معنای وجوب و در مقابل امکان بکار می رود. وجوب چیزی در هلیات بسیطه نیز با وجود آن ، ملازمه دارد ، یعنی وقتی می گوئیم چیزی مثلا، واجب گردیده است، بدین معنی است که آن چیز موجود گردیده است. زیرا در فلسفه قاعده ای است که میگوید: الشیء مالم یجب لم یوجد، یعنی تا چیزی به مرحله وجوب نرسیده و واجب نگردیده باشد ، موجود نمی شود. به عبارت دیگر مرحله وجوب چیزی بطور حتم مستلزم وجود آن نیز می باشد. بنابراین ضرورت ، در اصطلاح حکما و در هلیات بسیطه یعنی ، قضایای که محمول ما در آن وجود باشد ، به معنای وجوب می باشد.

قضایای ضروریه در اصطلاح منطق و یا نسبت های ضروری بین موضوع و محمول در هلیات بسیطه در اصطلاح فلسفه ، چند صورت دارد که به مهمترین آنها بطور اختصار در ذیل اشاره میگردد.

۱- **ضرورت ازلیه:** ضرورت ازلیه عبارت از "نسبت ضروری ازلی حکم است ابدی و ازلا". بدون لحاظ هیچ حیثیت و قیدی ، حتی قید مادام الذات. بعبارت دیگر ضرورت ازلی آن است که "مصدق حکم، نفس ذات موضوع باشد بدون اعتبار امر دیگر بطور مطلق"^۱. مثلا در دو قضیه ای "الله عالم" و "الله موجود" حمل وجود و علم بر خداوند بدین معنا است که خداوند "ازلا و ابدی متصف به علم است و علم او ازلی و ابدی بوده و عین ذات او است و (نیز در قضیه دوم) که گویند ذات خدا موجود ازلی است یعنی بدون هیچ قید و حیثیت (ذات خدا) مصداق موجودیت است"^۲. بنابراین در قضایای ضروریه

۱- دکتر سید جعفر سجادی، پیشین، ص ۳۳۱. همو: اصطلاحات فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، اول، ۱۳۷۵، ص ۴۲۴.

۲- دکتر سید جعفر سجادی: مصطلحات فلسفی ملاصدرا، ۱۳۴۰، ص ۱۳۹.

۳- دکتر سید جعفر سجادی: فرهنگ علوم عقلی، ص ۳۳۱. همو: اصطلاحات فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، اول، ۱۳۷۵، ص ۴۲۴.

ازلیه نسبت ضروری بین موضوع و محمول از ازل و ابد و بدون در نظر گرفتن هیچ حیثیت و قید دیگری حتی قید مادام الذات موجود می باشد.

۲- ضرورت ذاتیه : که به آن ضرورت مطلقه هم گفته می شود ، عبارت است از "قضیه ای که حکم به ضرورت محمول برای ذات شده باشد، مقیدا بمادام ذات الموضوع موجودا"^۱ ، یعنی ، وجود محمول تا مادامی برای موضوع ضرورت دارد که ذات موضوع موجود باشد ، بدون اینکه ذات موضوع ، علت اتصاف و حکم باشد مثل قضیه ای "انسان انسان است ، و یا قضیه ای، انسان حیوان است"^۲ . در دو قضیه فوق، انسانیت و حیوانیت که محمول برای موضوع یعنی "انسان" هستند ، تا هنگامی حمل شان بر موضوع ضرورت دارد ، که خود موضوع ، یعنی ذات انسان موجود باشد، و البته که خود موضوع ، یعنی ذات انسان ، علت حکم و اتصاف به صفت انسانیت و حیوانیت نیست ، بلکه علت اتصاف و حکم ، محض موجود شدن ذات انسان می باشد.

۳- ضرورت وصفیه: ضرورت وصفیه که به آن مشروطه عامه نیز می گویند، قضیه ای است که حکم به ضرورت محمول برای موضوع شده باشد مشروط به اینکه وصف عنوانی موضوع باقی باشد. مثل قضیه ای کل کاتب متحرک الاصابع (بالضروره) مادام کاتباً بدیهی است که حکم به ضرورت تحرک انگشتان هنگامی درست است که وصف عنوانی موضوع، یعنی حال کتابت باقی باشد.

۴- ضرورت وقتی: ضرورت وقتی که به آن "وقتیه معینه" نیز می گویند، قضیه ای است که در آن حکم به ضرورت محمول برای موضوع در وقت معین باشد، مثل : کل قمر منخسف بالضروره وقت الحیلولة^۴ . یعنی گرفته شدن نور از ماه،

۱- شیخ محمد مظفری؛ پیشین، ص ۱۱۱.

۲- صدرالدین شیرازی؛ الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ۱۳۸۳، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳- شیخ محمد مظفری؛ پیشین، ص ۱۱۱.

۴- همان؛ ص ۱۱۱.

فقط در زمان معین، یعنی هنگامه حیلولة زمین بین "ماه" و "خورشید" ضروری می باشد و نه در هر زمانی.

۵- ضرورت ذاتی بشرط محمول : ضرورت بشرط محمول قضیه ای است که حکم به ضرورت محمول برای موضوع شده باشد ، بشرط وجود محمول برای موضوع، مثل زید القایم^۱. و در این قضیه ، ضرورت محمول یعنی قیام هنگامی برای موضوع یعنی زید ، ثابت است که قیام بر زید حمل شده باشد.

بهر حال واژه ضرورت در فلسفه به معنای وجوب و در مقابل امکان می باشد. زیرا شی ممکن در فلسفه عبارت است از چیزی که متساوی الطرفین باشد، یعنی جانب وجود و یا عدم برای او ترجیح پیدا نکرده باشد. اما واجب آن است که جانب وجود برای آن ترجیح پیدا کرده است. و شی واجب به طور حتم برطبق قاعده "الشی مالم یجب لم یوجد" موجود نیز هست .

ضرورت در اصطلاح فقهاء: واژه "ضرورت" در اصطلاح فقهی به معنای اضطرار می باشد. و به همین خاطر در فقه به حالت اضطراری ، حال ضرورت اطلاق می گردد. و حالت ضرورت زمانی است که انسان در وضع غیر عادی و در شرایط اضطراری قرار میگیرد. در این حالت قهراً ممکن است بسیاری از محرّمات حلال و برخی از محللات نیز برای شخصی که در حالت مذکور قرار گرفته است حرام گردد.

ضرورت در اصطلاح ادیبان: واژه ضرورت با پسوند "شعری" در اصطلاح ادبیات به معنای: الحاله الداعیه الی ان یرتکب فیه مالا یرتکب فی النثر^۲ می باشد، یعنی شاعر برای اینکه وزن شعری خود را درست کند ، و به اصطلاح به خاطر ضرورت شعری ، می تواند هر کلمه ای را که سازگار با وزن و قافیه شعر وی باشد بیآورد، که این امر در غیرحالت مذکور یعنی در نثر درست نیست.

۱- همان؛ ص ۱۱۱.

۲- ابراهیم مصطفی و همکاران ؛ پیشین ، ص ۵۴۰.

با توجه به معانی مختلف لغوی و اصطلاحی که برای واژه "ضرورت" وجود دارد و به آنها نیز اشاره گردید، مقصود از واژه "ضرورت" در عنوان بحث بنده، نه معانی اصطلاحی آن، بلکه برخی از معانی لغوی آن یعنی، حاجت و نیاز و یا دقیقاً به معنای "لزوم" می باشد. زیرا، گرچه طبق دیدگاه حکما و متکلمین عدلیه، ضرورت به معنای وجوب یعنی معنای فلسفی آن مقصود است، اما از آنجاییکه از دیدگاه متکلمین اشعری مسلک ضرورت به معنای نیاز و حاجت بر میآید و لذا ما نیز آن را به معنای گسترده تر آن یعنی نیاز و حاجت و لزوم میگیریم. و به همین دلیل است که ضرورت بعثت را از دیدگاه متکلمین اشاعره نیز اثبات می کنیم.

بعثت: یکی دیگر از واژه های کلیدی در عنوان این بحث، کلمه بعثت است. این واژه نیز همانند واژه ضرورت دارای معانی و کاربردهای گوناگون در لغت و اصطلاح می باشد، به همین دلیل بنده ناگزیر از ذکر معانی لغوی و اصطلاحی آن می باشم.

معانی لغوی بعثت: کلمه "بعثت" یک واژه عربی، و از ریشه "بَعَثَ" می باشد و بصورت مصدر و نیز حاصل مصدر بکار میرود. معنای مصدری این کلمه، مرادف با معنی کلمه "بَعَثَ" می باشد. که در کتب لغات معانی ذیل برای آن، ذکر شده است: برانگیختن، فرستادن،^۱ زنده کردن، رستاخیز^۲، از خواب بیدار کردن، برخیزانیدن^۳ توجیه، (فرستادن کسی را بجای)، ارسال،^۴ و... و برای واژه "بعثت"

۱- علی اکبر دهخدا، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰۶. سید حسن المصطفوی؛ التحقیق فی کلمات القرآن، ۱۳۶۰، ج ۱ ص ۲۷۸.

حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۴۲۵. سید مصطفی حسینی دشتی؛ پیشین، ج ۳، ص ۲۰۲. احمد صدر و همکاران؛ دایره المعارف تشیع، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۴. غلامرضا انصاف پور؛ پیشین، ص ۱۲۸.

۲- احمد صدر و همکاران؛ پیشین، ص ۲۷۳-۲۷۴. علی اکبر دهخدا، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۰۶. حسن عمید؛ پیشین، ص ۴۲۵. ابراهیم مصطفی و همکاران؛ پیشین، ص ۶۲. غلامرضا انصاف پور؛ پیشین، ص ۱۲۸.

۳- سید مصطفی حسینی دشتی؛ پیشین، ص ۲۰۲. حسن عمید؛ پیشین، ص ۴۲۵. علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۱۰۶.

۴- الراغب الاصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۳۲. علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۱۰۶.

نیز در معنای مصدری، معانی فوق، از جمله: برانگیختن، برخیزاندن، فرستادن، بیدارکردن و ... ذکر شده است.^۱

بعثت به معنای اسم مصدری، نیز از ریشه "بعث" می باشد و به معنای رسالت و برانگیختگی آمده است.^۲ بنابراین، تقریباً در تمامی معانی لغوی کلمه بعثت یکنوع تحریک و وادارکردن اشرا ب شده است.

معنای اصطلاحی بعثت: اما در اصطلاح، "بعثت" به فرستادن و ارسال رسل از جانب خدا بسوی بندگان او، اعم از جن و انس، جهت هدایت و راهنمای آنان بسوی سعادت حقیقی و طریقت الهی اطلاق می گردد، و همیشه با پسوند "نبی" یا "انبیاء" بکار برده می شود. بنابراین، بعثت انبیاء، یعنی: فرستادن خداوند متعال انسانی را بسوی جن و انس تا آنان را به راه حق دعوت کند و شرط آن دعوی پیغمبری و اظهار معجزه است.^۳ چنانچه ملاحظه میگردد، در معنی اصطلاحی "بعثت" ریشه لغوی آن، یعنی برانگیختن و ارسال لحاظ شده است. مقصود نگارنده از کلمه "بعثت" معنای اصطلاحی آن، یعنی انتخاب و برانگیختن خداوند، فرد و یا افرادی را با ویژه گیها و خصوصیات ویژه، از میان خود بشر، و ارسال و فرستادن او و یا آنها را بسوی مردم جهت هدایت و راهنمای آنها، بسوی سعادت حقیقی و صراط مستقیم، می باشد.

نبوت: این واژه نیز یک واژه عربی است، و به صورت مصدر و اسم مصدر هر دو آمده است. معنای اسم مصدری این کلمه عبارت است از پیغامبری و رسالت.^۴ اما

۱- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۱۰۶. حسن عمید؛ پیشین، ص ۴۲۵. ابراهیم مصطفی و همکاران؛ پیشین، ص ۶۲. احمد صدر و همکاران؛ پیشین، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۲- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۱۰۶. حسن عمید؛ پیشین، ص ۴۲۵.

۳- سید مصطفی حسینی دشتی؛ پیشین، ص ۲۰۲. احمد صدر و همکاران؛ پیشین، ص ۲۷۳-۲۷۴. علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ص ۱۰۶.

۴- علی اکبر دهخدا؛ پیشین، ج ۴۷، ص ۳۲۷. غیاث الدین رامپوری؛ پیشین، ص ۹۰۴. حسن عمید؛ پیشین، ج ۳، ص

۲۳۸۲. غلامرضا انصاف پور؛ پیشین، ص ۱۱۷۹.